

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۵ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۶ - ۲۱۶

ترکیب بندها

۶ - ۲

در مرثیه غفارخان

(بند ششم)

کی خاک درگهت، شرف تاج^۱ افسرم
از خدمت تو من، به رضا سر نتافتم
می خواستم، که از تو نگردم، دمی جدا
ناخوانده صفحه ای ز کتاب حیات دهر
بی آنکه بر کسی ستمی کرده ام به دهر
با آنکه از سریر کیان^۲ عار داشتم
رفتم ز خدمت تو و شد خاک بر سرم
کین قصه سرنوشت ازل بود، در سرم
گردون امان نداد، جدا کرد اخترم
دست اجل به بباد فنا داد، دفترم
شاخ امل برید، سپهر ستمگرم
افتاده خوار و زار درین صحن^۳ اغبرم

^۱ الف. جیب

^۲ "کیان" جمع "کی" است، که مراد از شاهان کیانی یا کوانی بلخ است. پس "سریر کیان"؛ یعنی "تخت شاهان کیانی".

ای مهربان برادر من، دل غمین مدار کین بود از قضاى الهی، مقّدم
ای مرهم دل من غمناک، الوداع کز ملک دهر، عازم اقلیم دیگرم
ای شمع بزم دولت اقبال الفراغ کاکنون فتاده دیده دیدن، به محشرم
بر بند ازین حکایت جانسوز لب "شهاب"
کز گریه گشت خانه صبر و سکون خراب

^۲ "اغیر": (بر وزن "اختر") کلمه عربی و در معنای "خاکی" و "پرغبار" و "تاریک". مصراع متضمن این کلمه در دیوان حاضر بدین شکل آمده است:

افتاده خوار درین صحن اغیرم

که صریحاً دچار کمبود هجاء می باشد و مصحح آن در هیئت بالا تکمیل کرد!!!